

Criminal and non-criminal prevention in the field of crimes related to the monetary and exchange rate system

Abstract

Crimes related to the monetary and exchange rate system are among the factors disrupting public order, so it is closely related to national sovereignty and authority. Sustainable development of the country also depends on attracting domestic and foreign capital, which is itself affected by the level of economic corruption. Due to the threats of economic crimes to the stability and security of societies, traditions and moral values, the great impact of these crimes in disrupting the development and growing economic program of the country, loss of public trust in the government and government officials and separation between government and people, crimes. Economics has been studied by governments and legal institutions. Economic turmoil disrupts other areas of life and endangers the social and political stability and security of society. Undoubtedly, the establishment and maintenance of economic order depends on the fight against disruptors and criminals in the economic system. Combating economic disruptors both establishes economic order and prevents the effects and consequences of disruption in the country's economy. Criminal justice policy, which is carried out by the judicial and judicial organs of each country, tries to cause public intimidation of crime and crime prevention by using appropriate punishments and criminal enforcement guarantees affecting criminals. Judges must consider the balance between punishment and misdemeanor, as well as the process of prevention by individualizing punishments. Punishments and sentences should have three characteristics: severity of punishment, certainty and certainty of punishment and speed of execution of punishment.

Keywords: economic crimes, monetary and exchange rate system, criminal prevention, non-criminal prevention

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۱۰۱۱-۱۰۲۵
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.304677.2301>

پیشگیری کیفری و غیر کیفری در حوزه جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی

مرتضی رضائی^۱

محمود قیوم زاده^۲

حسین خسروی^۳

امیر ملامحمدعلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

چکیده

جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی از جمله عوامل منحل نظم عمومی است، از این رو ارتباطی تنگاتنگ با حاکمیت و اقتدار ملی دارد. توسعه پایدار کشور نیز در گرو جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌باشد که خود تحت تاثیر میزان فساد اقتصادی است. به دلیل تهدیدات جرایم اقتصادی نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنتها و ارزشهای اخلاقی، تأثیر فراوان این جرایم در ایجاد اختلال در توسعه و برنامه رو به رشد اقتصادی کشور، سلب اعتماد عمومی از حاکمیت و مسئولین حکومتی و جدایی میان حاکمیت و مردم، جرایم اقتصادی مورد توجه و بررسی دولتها و نهادهای قانونی قرار گرفته است. نابسامانی در حوزه اقتصاد باعث اختلال در حوزه های دیگر زندگی می‌شود و ثبات و امنیت اجتماعی و سیاسی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلاک‌گرا و مجرمین در نظام اقتصادی است. مبارزه با اخلاک‌گرا اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از آثار و تبعات سوء اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند. در سیاست جنایی قضایی که توسط ارگان‌های قضایی و دادگستری هر کشور انجام می‌شود، سعی می‌شود تا با استفاده بجا از مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی کیفری مؤثر بر مجرمان، موجب ارعاب عمومی از جرم و پیشگیری از جرم شوند. قضات می‌بایست تناسب بین کیفر و بزه را لحاظ کرده و همچنین با فردی کردن مجازات‌ها باعث تحقق فرآیند پیشگیری شوند. مجازات‌ها و احکام صادره باید دارای سه ویژگی: شدت مجازات، حتمیت و قطعیت مجازات و سرعت اجرای مجازات باشند.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، نظام پولی و ارزی، پیشگیری کیفری، پیشگیری غیر کیفری

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران،

^۲ استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول)،

^۳ استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران،

^۴ استاد فقه و مبانی حقوق، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران؛

ویژگی‌های جرم یا دسته‌ای از جرایم به اعتبار پیش‌بینی‌های قانونی شناخته می‌شوند. در مورد جرم اقتصادی، نمی‌توان اوصاف مشخص و قطعی را بیان کرد. جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جرایم اقتصادی به دلیل وجود سازوکارهای مختلف مقابله با آن در کشورها به راحتی ممکن نیست. از طرفی میزان اطلاعات مربوط به جرایم اقتصادی و مالی در مقایسه با دیگر انواع جرم بسیار پایین می‌باشد. ضمن اینکه معمولاً در جرایم اقتصادی کلان، دولت‌ها برای جلوگیری از تبلیغات منفی و نیز جلب توجه مردم ترجیح می‌دهند در کوتاه‌ترین زمان ممکن به آن رسیدگی کنند. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معیار خاصی برای تشخیص تمام مصادیق جرم اقتصادی ارائه نشده و سیاست کیفری مبارزه با این جرایم نیز به سه حکم پراکنده (مواد ۳۶، ۴۷ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) محدود شده است؛ در حالی که در اغلب کشورهای دنیا با توجه به اهمیت موضوع، بسته سیاستی کاملی اعم از اصلاحات ساختاری، سیاست‌های پیشگیرانه و سیاست کیفری قهرآمیز و بازدارنده در برابر این جرایم اتخاذ و اعمال می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مفهوم مشتعل بر جرم انگاری نیست، هیچ ارزش افزوده‌ای برای مشکلات جاری و مسکوت نظام اقتصادی ندارد؛ با توجه به اشکالات مذکور، مفهوم ارائه شده از جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، فاقد کارکرد مؤثر در زمینه مبارزه با این جرایم است. از طرفی جرایم اقتصادی و به‌ویژه جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی می‌توانند سبب اختلال در اقتصاد و معیشت مردم شوند و علاوه بر آن سبب سلب اعتماد عمومی به حاکمیت شوند.

۱- جرایم مرتبط با نظام پولی یا ارزی

جرایم پولی را باید کلیه جرایمی دانست که نسبت به پول رایج یک کشور ارتکاب می‌یابد. پول به‌طور سنتی به پول سکه‌ای و پول کاغذی یا اسکناس تقسیم می‌شود. اخیراً با ظهور و گسترش فن‌آوری‌های رایانه‌ای پول الکترونیکی نیز به آن دو اضافه شده است.^۱ «ارز در قوانین علاوه بر این عنوان با عنوان اسعار خارجی و در برخی قوانین با عنوان پول یا اسکناس یا سکه یا نقود خارجی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. ارز نیز به لحاظ اقتصادی همچون اسکناس از چند جنبه دارای اهمیت است: اول اینکه بر اساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، پشتوانه پول داخلی محسوب می‌شود. دوم اینکه ارز خصوصاً دلار ارزشی جهانی دارد که به راحتی قابل تبدیل به پول کشورهای دیگرند. و سوم و مهمتر از همه اینکه ورود بی رویه ارز به کشور با خروج آن از کشور، نقدینگی ارزی را به جامعه تزریق یا از آن خارج می‌کند و با بر هم زدن تعادل نقدینگی ارزی در کشور، سیاست‌های پولی و بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»^۲

بر اساس یک تقسیم بندی جرایم مرتبط با نظام پولی با ارزی را می‌توان در چهار دسته مطرح کرد: جرایم مربوط به اسکناس، جرایم مربوط به سکه، جرایم ارزی و اختلال در نظام پولی و ارزی.^۳

^۱ مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ص ۹۰ و ۹۱

^۲ همان، ص ۹۹

^۳ نورزاد، مجتبی جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، صص ۱۲۹ تا ۱۴۰

۱-۱ جرایم مربوط به اسکناس

عمده ترین جرایم مربوط به اسکناس رایج کشور؛ جعل، استفاده از اسکناس مجعول و ورود اسکناس رایج جعل شده به کشور و خروج آن از کشور برخلاف مقررات، می باشد.

«اولین مقررہ کیفری در مورد اسکناس بند ۹ ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی دانست ... پس از انقلاب، لایحه قانونی مربوط به ضبط اسکناس‌هایی که به طور غیرقانونی وارد کشور می شوند مصوب ۱۷/۲/۱۳۵۹، ضمن تأکید بر اجرای ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، با تعیین حداقل پول رایج که می توان به کشور وارد یا از آن خارج کرد، (به بیان مجازات متخلفین از مقررات مربوطه پرداخته است)... لایحه قانونی مزبور بر اساس قانون لغو لایحه قانونی مربوط به ضبط اسکناس‌هایی که به طور غیرقانونی وارد کشور می شوند مصوب ۱۳۷۲/۲۳/۴، به طور صریح نسخ شد و در مورد ورود و خروج پول و ارز مجدداً به قانون پولی و ارزی کشور مصوب ۱۳۵۱ ارجاع داده شد.

در مورد «جعل اسکناس» تا سال ۱۳۶۲ همچنان بند ۹ ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی حاکم بود.^۴

پس از بند ۹ ماده ۹۸ ق.م.ع، در ماده ۲۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ به جرم جعل اسکناس پرداخته شد. بعد از آن «ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۶۸، به بیان مجازات برای جرایم جعل اسکناس و ورود و توزیع و مصرف اسکناس مجعول، در صورتی که به صورت بانندی ارتکاب یافته باشند و یا به قصد مبارزه با نظام باشند، پرداخته است.

همچنین بند ۵ ماده ۵۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵، به جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی، استعمال مجعول آن با علم به مجعول بودن و داخل کردن اسکناس رایج داخلی یا خارجی که مجعول باشد، پرداخته است. در ماده ۵۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ قصد مرتکب را نیز مورد توجه قرار داده است. جرایم مذکور در این ماده مطلق است در حالی جرایم مذکور در بند ۱ ماده ۱ و تبصره ۱ ماده ۲ «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور» (که در بند چهارم به آن اشاره میشود)، جرمی مقید به نتیجه می باشد.^۵ بند ۵ ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ عین در ق.م.ا جدید بیان شده اند و فقط به جای استفاده از اعداد در نوشتن بندها از حروف استفاده شده و بند ۵ همان بند «ث» می باشد و در تعیین مجازات از طبقه بندی درجه استفاده شده است.

۱-۲ جرایم مربوط به سکه

«پس از انقلاب اسلامی، قانونگذار در مواد ۱۶ تا ۱۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ تحت عنوان سکه قلب تقریباً عین مواد قانون اصلاحی مواد ۹۳ تا ۹۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۴۶ را مجدداً ذکر کرد که تغییرات اندکی داشت: اول اینکه در ماده ۱۶ (۹۳ پیشین) سکه بهار آزادی و نیز سکه‌های حکومت‌های قبلی ایران را که مورد معامله واقع می-

^۴ مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ص ۹۵

^۵ نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، ص ۱۳۳

شوند افزود. دوم اینکه در ماده ۱۹ علاوه بر معافیت از مجازات، تخفیف مجازات نیز افزوده شده بود، ولی به جای آن موافقت دادستان کل حذف شده بود. که از فحوای کلام بر می آید که این مرجع موافقت کننده، دادگاه صادر کننده حکم است.^۶ پس از مواد ۱۶ تا ۱۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، در مواد ۵۱۸ تا ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به جرایم «تهیه و ترویج سکه قلب» پرداخته شده است. قانونگذار در مواد ۵۱۸ و ۵۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵، خرید و فروش سکه قلب را هم نسبت به سکه های طلا و نقره و هم نسبت به سکه های رایج دیگر که در قوانین قبلی مسکوت مانده بود، مطرح کرد. همچنین عبارت «از پولها و ارزهای دیگر» را به ماده ۵۱۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ افزود. شاید به این دلیل که ایراد ماده را رفع کند و بیان نماید این سکه های طلا و نقره که مربوط به حکومت های پیشین هستند، نباید عتیقه باشند بلکه باید هنوز هم رایج باشند، اما افزودن این عبارت نه تنها مشکل را حل نکرده، بلکه به اشتباه چنین بیان نموده که مسکوک طلا و نقره می تواند عنوان پول داشته باشد.^۷

۱-۴ اخلال در نظام پولی و ارزی

از آنجا که جرایم «اخلال در نظام پولی» و «اخلال در نظام ارزی» از طریق ارتکاب جرایم جعل و قلب و سایر جرایم مربوط به اسکناس و سکه و ارز و تحت شرایط خاص، صورت می گیرند و نیز به دلیل اینکه این جرایم اخلال در نظام پولی و ارزی، بعد از انقلاب جرم انگاری شده اند، این جرایم را ذیل بندی جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم

بند الف ماده ۱ «قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» مصوب ۱۳۶۹ به جرم انگاری این دسته از جرایم پرداخته و مقرر داشته:

«الف- اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن»

آنچه باعث تمایز این بند با سایر مواد دربردارنده جرایم مربوط به سکه و اسکناس و ارز شده است، عبارت «اخلال در نظام پولی یا ارزی» و صفتهای «عمده» مذکور در این بند می باشد و همان طور که اشاره شد؛ جرایم مذکور در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ که قصد مرتکب را مورد توجه قرار داده، جرایمی مطلق و جرایم مذکور در بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور جرایمی مقید به نتیجه هستند و باید اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور، ایجاد شده باشد تا این جرایم محقق شوند.

مجازات جرایم مذکور در بندهای ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور در ماده ۲ این قانون مشخص شده است. این ماده ۷ تبصره دارد در تبصره ۱ آن برای مواردی که اخلال در آنها عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مجازات تعیین شده

^۶ مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفی افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ص ۹۱

^۷ همان، ص ۹۲

است و در سایر تبصره‌ها به جرم‌انگاری جرایم مذکور در ماده ۱ برای اشخاص حقوقی، تعیین مجازات شروع به جرایم مذکور در ماده ۱، غیر قابل تعلیق بودن مجازات‌های این قانون و ... پرداخته شده است.

۲- پیشگیری کیفری از جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی

۲-۱ عرصه قانونگذاری

در عرصه قانونگذاری درخصوص جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی باید به چند ویژگی توجه نمود:

۲-۱-۱ رفع ضعف و کاستی‌های قوانین

از طریق تطبیق با حقوق سایر کشورها می‌توان این ضعف و کاستی‌ها را شناخت و به آن پی برد و با رفع این موارد در پیشگیری از جرم می‌توان گام‌های مثبت و مؤثری برداشت.

۲-۱-۲ مقبولیت عمومی قوانین

اعمال جرم‌انگاری شده و مجازات‌های آن‌ها باید دارای مقبولیت عمومی باشند، چراکه جرم قلمداد کردن اعمالی که مردم آن را حقوق فردی خود می‌دانند و تولید بیش‌ازحد قوانین و اضافه نمودن به فهرست ممنوعیت‌ها نمی‌تواند در کاهش جرم مؤثر باشد، بلکه ممکن است خود ایجادکننده بزهکاری شود. بدین ترتیب مقنن در حین تنظیم مواد قانونی و معرفی جرایم و مجازات‌ها بایستی افکار عمومی را لحاظ کند. البته درمورد جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی نوع جرایم و تخطی در حقوق ایران مشخص شده است و این جرایم خود موجب بروز آسیب‌ها و مشکلات برای مردم است؛ اما اطلاق عنوان مجرمانه بر اعمالی که از دید جامعه و افکار عمومی بزهکارانه تلقی نمی‌شوند، موجب تضعیف اعتبار جرم‌انگاری، عدم بازدارندگی مجازات‌ها و عدم تمایل مردم به یاری‌رسانی در کشف جرایم می‌شود.

۲-۱-۳ استفاده از نظام مجازات‌های شناور

یعنی استفاده از تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات و یا استفاده از چند مجازات به‌صورت تخییری در مورد یک جرم، با کمک به فردی کردن مجازات‌ها می‌تواند، به پیشگیری از جرایم کمک کند، چون افراد مختلف از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های متفاوت فردی اجتماعی و مادی از انواع مجازات‌ها به گونه‌های متفاوتی تأثیر می‌پذیرند. پس به‌طور مثال برای فردی که در خرید و فروش مبالغ ناچیزی ارز و یا تعداد اندکی سکه دلالی کرده است باید یک نوع مجازات در نظر گرفت که هم با وضعیت فردی وی مناسب باشد و هم به‌گونه‌ای از ارتکاب جرم سایر افراد با این وضعیت جلوگیری کند و از طرف دیگر فردی که در خرید و فروش مبالغ زیادی ارز و یا تعداد زیادی سکه دلالی کرده است و موجب التهاب اقتصادی و اجتماعی گردیده باید به‌گونه‌ای مجازات شود تا جلوی این‌گونه جرایم از طریق بازدارندگی و ارعاب گرفته شود.

۲-۱-۴ توانمندی اهرم اخطار و تحذیر

به معنای آگاهی عمومی از قوانین و کیفیت جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. زمانی که افراد جامعه از غیرقانونی بودن عملی آگاهی نداشته باشند نمی‌توانند از ارتکاب آن بپراسند. این آگاهی عمومی که به‌نوعی بخشی از هدف بازدارندگی عام در اجتماع را جامعه عمل می‌پوشاند، باعث می‌شود تا اعلام این رفتار مستحق مجازات از طرفی برای مجرمان بالقوه اخطار آمیز باشد و از طرفی بزه دیدگان احتمالی نسبت به این جرایم هوشیار شوند. از طریق این روش ابتدا میزان امنیت عمومی افزایش پیدا می‌کند و از طرفی باعث کاهش امکان جرم می‌شود. در مورد جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی در مواردی که باعث جریحه‌دار شدن غرور عمومی و از بین رفتن اعتماد مردم نسبت به حاکمیت و دولت شده، اعلام عمومی چگونگی رسیدگی به پرونده و نوع مجازات مجرمین و میزان مجازات آن‌ها می‌تواند از طرفی موجب آرامش روحی جامعه و از طرف دیگر موجب پیشگیری و ارعاب افرادی که قصد چنین بزه‌هایی را دارند بشود.

۲-۲ عرصه قضایی

در این بخش که توسط ارگان‌های قضایی و دادگستری هر کشور انجام می‌شود در آن سعی می‌شود تا با استفاده بجا از مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی کیفری مؤثر بر مجرمان، موجب ارعاب عمومی از جرم و پیشگیری از آن‌ها بشوند. در تعریف پیشگیری قضایی می‌توان گفت عبارت است از اقدامات دستگاه قضایی درخصوص مجرمان و استفاده مناسب از قرارهای تأمین و ضمانت‌های اجرا و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری.^۸

متصدیان امر قضا باید با توجه زیاد و ریزبینی و رعایت نکات فنی در کار خود، ابتدا تناسب بین کیفر و بزه و سپس با فردی کردن مجازات‌ها باعث تحقق فرآیند پیشگیری شوند. همچنین قضات باید با دخیل نمودن دیدگاه‌های تخصصی بخصوص در جرایم مالی و به حداقل رسانیدن اشتباهات قضایی از طریق آموزش حرفه‌ای و تخصصی موجب اعتماد مردم به دستگاه قضا شوند، زیرا در غیر این صورت اعتبار کلی احکام قضایی از بین رفته و باعث تقلیل انگیزه افراد در پرهیز از بزه و فاجعه‌ای بدتر از این‌ها فرار مجرمان واقعی از قانون و مجازات شدن افراد بی‌گناه می‌شود.

مجازات‌ها و احکام صادره باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند موجب بازدارندگی و پیشگیری از جرم بشود:

۱-۲-۲ شدت مجازات

منظور از این مورد مجازات‌های غیرانسانی نیست بلکه منظور مجازاتی است که فرد مجرم باید با توجه به بزه انجام‌شده و فردی بودن جرم و مجازات طبق آن مجازات شود.

۲-۲-۲ حتمیت و قطعیت مجازات

آنچه ضامن نقش پیشگیرانه کیفرهاست، همان قطعیت و حتمیت و یا به عبارتی اطمینان جامعه از اجرای مجازات است. حتی عده‌ای معتقدند که شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند بلکه این حتمی و قطعی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند.

^۸ دادبان، حسن؛ آقای، سارا، بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری، فصلنامه حقوقی، شماره ۳، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰

۳- جرایم یقه‌سفید؛ نمود بارز جرایم اقتصادی

بی‌شک زمانی که ادوین ساترلند برای اولین بار در سال ۱۹۳۹، اصطلاح مجرمین یقه‌سفید را بکار برد به‌درستی متوجه این نکته شده بود که به دلیل نفوذ، اعتبار و اتصال مجرمین یقه‌سفید به لایه‌های بالای قدرت، تعقیب و محاکمه‌ی این طیف از مجرمین کار چندان ساده‌ای نیست.

از دیگر سو جرایمی که مجرمین یقه‌سفید مرتکب می‌شوند به دلیل آنکه در کوتاه‌مدت تأثیر اندکی در سطح کلان جامعه دارد چندان مورد اقبال عموم جامعه و همین‌طور رسانه‌های گروهی قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که در ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز، جرایم جنسی و به‌طور کلی جرایم خیابانی با حاکمیت عوام‌گرایی کیفری، حساسیت‌ها بیشتر است؛ و از مسئولان دستگاه قضایی گرفته تا مردم عادی خواهان رسیدگی سریع و اجرای حکم می‌باشند. بنابراین همین‌که جرایم مجرمان یقه‌سفید ارزش خبری چندانی ندارد خود عاملی مهم می‌شود تا مجرمان یقه‌سفید به‌دوراز هیاهو و جنجال‌های رسانه‌ای به ارتکاب جرم پردازند بی‌آنکه ابایی از افشای نامشان داشته باشند. در سال‌های اخیر با پرده‌برداری از پرونده‌های فساد اقتصادی پای بسیاری از یقه‌سفیدها به دادگستری باز شد و با رسانه‌ای شدن آن، تیتتر یک بسیاری از مجله‌ها و رسانه‌ها گردید و در پی آن مردم نیز با کنجکاوی پیگیر خبرها و خواهان محاکمه‌ی چپاولگران بیت‌المال بودند.

۴- تدابیر واکنشی پیشگیری از جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی

۴-۱ اقدامات واکنشی سرکوب‌گرانه

جرایم جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی به خاطر خصوصیت و آثاری که دارد- مانند تضییع حقوق دیگران به نفع خود، ایجاد نوسان شدید در قیمت‌ها و به تبع آن دشوار شدن زندگی مردم و خدشه دار کردن اعتماد مردم به حاکمیت- از دید شهروندان دارای حس سرزنش‌پذیری بسیاری است. در عین حال، جرایم جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی، جرمی است که موجب کاهش میزان اعتماد افراد جامعه به نهادهای رسمی و قانونی حکومت، و نهایتاً تردید در مشروعیت آن می‌شود. همچنین، موجب تعرض به حقوق مالی حکومت شده و در نتیجه، همواره با مجازات‌های شدید و خشن قانونی مواجه است. اما نکته اصلی این است که در عمل، گاه فرآیند رسیدگی و محاکمه‌ها بسته به مرتکب آن، متفاوت است.

۴-۱-۲ سرعت و حتمیت در رسیدگی و اجرای مجازات‌ها

به طور کلی تأخیر فاصله طولانی میان عمل و عکس‌العمل، از قبح عمل و تأثیر عکس‌العمل در نظر مرتکب و یا دیگران به مقدار قابل توجهی می‌کاهد.

به نظر عالمان دینی، علت آن که حتی افراد معتقد به مرگ و عالم پس از آن، با علم به عذاب‌های شدید و سخت جهنم و عدم امکان بازگشت و فرصت دوباره، باز مرتکب گناه می‌شوند، تأخیر و فاصله طولانی - به اندازه یک عمر، صد سال یا کمتر - میان عمل و جزای آن است.

از مطالب فوق به خوبی اهمیت استقلال و بی‌طرفی در امر قضا و ارتباط آن‌ها، با سرعت و حتمیت در اجرای کیفر معلوم می‌شود؛ زیرا هرچه استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی ضعیف باشد، سرعت و حتمیت نیز متأثر از آن خواهد شد. چه بسا گاه، در جهت منافع شخصی، گروهی و حزبی عده‌ای، حتی شاهد سرعت و حتمیت در اقدامات قضایی نیز باشیم. در این مورد در واقع، اجرای قانون، متأثر از فساد و در محیطی ناسالم صورت پذیرفته است.

۳-۱-۴ ایجاد آیین دادرسی ویژه، مراجع قضایی تخصصی

یکی از ابزارهای مورد نیاز جهت اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در واکنش به جرایم فسادآمیز و مفسد اقتصادی، وجود آیین دادرسی خاص و دادگاه‌های تخصصی است. هر چند امروزه در حقوق داخلی بحث مربوط به آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی مطرح است و در بعضی حوزه‌های قضایی نیز مجتمعی قضایی، تحت عنوان «ویژه جرایم اقتصادی» و دادرسی ویژه از جمله «برای حفظ حقوق بیت‌المال» تشکیل شده است، این امر در واقع از باب تقسیم وظایف است که البته در جلوگیری از اطاله رسیدگی و تسریع در دادرسی بی‌تأثیر نبوده و نیست. با این حال به طور قانونی در حال حاضر آیین دادرسی ویژه فساد و مفسد اقتصادی که در آن وجود دادگاه‌های تخصصی نیز پیش‌بینی شده باشد، وجود ندارد. با توجه به حساسیتی که موضوع فساد - از حیث تخریب کارکردهای اداری، قضایی، سیاسی و تمام ابعاد زندگی اجتماعی - دارد، وجود سازوکار قانونی برای تسریع مطلوب در رسیدگی دارای اهمیت است؛ زیرا اطاله رسیدگی علاوه بر آن که ممکن است ناشی از فساد باشد (مانند گرفتن رشوه برای طولانی شدن روند رسیدگی به ضرر یا نفع خود یا دیگری) خود موجب بروز فساد نیز است (مانند دادن پول تسریع برای جلوگیری از اطاله)؛ لذا باید کوشید تا میزان آن را به حداقل رسانید.

با این حال، به نظر می‌رسد، نباید در فقدان آیین دادرسی ویژه در حقوق داخلی، اغراق کرد. در این رابطه، قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن قابل توجه هستند.

در باب تسریع در رسیدگی، تبصره ۴ ماده مذکور، مرجع تجدیدنظر را مکلف کرده حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع تبصره ۳ ماده ۱۸۸ (که اشتباها در تبصره ۴ به جای اشاره به تبصره ۳ به خود ماده ۱۸۸ ارجاع شده است) رسیدگی و

حکم صادر کند. در غیر این صورت و با تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر^۹ محکوم می شوند.

پیش بینی اقدام به رسواسازی مرتکبان فساد و مفساد اقتصادی اگرچه با هدف مبارزه و بازدارندگی به تصویب رسیده است، دارای جوانب متعددی است. از دید گروهی از اندیشمندان، چنین اقدامی برخلاف کرامت انسانی فرد محکوم است. از سوی دیگر برخلاف اصل شخصی بودن مجازات ها، موجبات آزار و سرشکستگی خانواده وی را فراهم می آورد و در واقع نوعی مجازات مضاعف محسوب می شود. مانند اجرای مجازات شلاق در ملأعام که خود شلاق یک مجازات است و در ملأعام بودن آن مجازات دیگری است که آبرو و حیثیت محکوم را به شدت، مخدوش می کند.

اما برخی دیگر، برخلاف نظر نخست بر این عقیده هستند که هم چنان که نویسندگان و پژوهشگران در مقوله فساد، تقویت اطلاع رسانی و افشاگری را در قالب حمایت از شهود و مخبران و نیز آزادی مطبوعات در امر پیش گیری و مبارزه با فساد ضروری دانسته اند و در اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد نیز بر این امر تأکید شده است، بنابراین این افشاگری پس از احراز جرم و قطعی شدن محکومیت به طریق اولی پذیرفته شده است. ممکن است در پاسخ گفته شود آنچه در افشاگری رسانه ها مطرح است، پرداختن به موضوع در غیر مورد اعلام اسامی افراد است؛ به بیان دیگر، آنچه ملاک است موضوع فساد است و نه مرتکب آن.

اما این استدلال موجه به نظر نمی رسد زیرا عدم اعلام اسامی اشخاص از سوی رسانه ها به دلیل منع قانونی و مسئولیت کیفری آن است؛ حال آنکه این ممنوعیت پس از اثبات جرم منتفی است.

۵-۱-۴ بررسی دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران مصوب ۱۳۹۸
دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران در راستای انجام بهینه وظایف قوه قضاییه در مسائل اقتصادی جامعه، پیشگیری از وقوع مفساد و جرایم اقتصادی، حمایت از سرمایه گذاری سالم، تدوین سیاست کیفری مناسب و بازدارنده، تهیه پیوسته های اطلاع رسانی متناسب، مبارزه و مقابله قاطع با مجاری فساد، تسریع در تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای احکام و در اجرای قانون مجازات اسلامی و مقررات آیین دادرسی کیفری، به ویژه ماده ۵۶۶ و تبصره آن، تدوین شده است.

اهداف و مأموریت های مجتمع که در ماده ۲ این دستورالعمل تبیین شده است عبارتند از:
الف) پیشگیری از بروز جرایم و مفساد اقتصادی.

^۹ شامل انفصال موقت از سه ماه تا یک سال الی انفصال دائم از خدمات دولتی

- (ب) همکاری با نهادهای ذیربط جهت اصلاح ساختارهای فسادزا و تحقق شفافیت در فعالیتهای اقتصادی.
- (پ) ایجاد تمرکز و ساختار متناسب در دادگستری در جهت مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی.
- (ت) اتخاذ سیاست کیفری متناسب و برخوردار از سرعت، دقت و بازدارندگی در رسیدگی به جرایم اقتصادی.
- (ث) ارتقای کارآمدی و تقویت ارتباط و تعامل فی‌مابین مرجع قضایی و ضابطان در رسیدگی به پرونده‌های مربوط.
- (ج) ایجاد زمینه برای اطلاع‌رسانی مناسب در جهت اقناع افکار عمومی.
- وظایف شورا که در ماده ۵ این دستورالعمل تبیین شده است عبارتند از:
- (الف) تدوین سیاست‌های پیشگیرانه و کیفری مناسب در حوزه مفاسد و جرایم اقتصادی.
- (ب) پیگیری اصلاح ساختارهای فسادزا و غیر شفاف در حوزه‌های مختلف اقتصادی.
- (پ) هماهنگی و پیگیری در جهت انتخاب ضابطان کارآمد متخصص و آموزش دیده متناسب با مأموریت‌های مجتمع.
- (ت) ارائه مشاوره‌های قضایی به قضات مجتمع، به ویژه در پرونده‌های کلان و ملی.
- (ث) نظارت بر روند آموزش و دانش‌افزایی و تأمین نیازمندی‌ها و حفظ منزلت و کرامت قضات و مراجعین.
- (ج) پایش و ارزیابی عملکرد مجتمع در سطوح مختلف و ارائه گزارش‌های نوبه‌ای آن به رئیس قوه قضاییه به صورت فصلی.
- (چ) شناسایی خلاءهای قانونی در حوزه جرایم اقتصادی و مأموریت‌های مجتمع و اقدام برای رفع آن از طریق معاونت حقوقی قوه قضاییه.
- صلاحیت و حوزه تخصصی مجتمع با رعایت صلاحیت‌های ذاتی و محلی در موضوعات کیفری، در ماده ۱۱ این دستورالعمل تبیین شده است و مشتمل بر این امور است: (الف) رشاء و ارتشاء؛ (ب) اختلاس؛ (پ) اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛ (ت) مداخله وزرا، نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری؛ (ث) تبانی در معاملات دولتی؛ (ج) اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ (چ) تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت؛ (ح) جرایم گمرکی؛ (خ) جرایم مالیاتی؛ (د) پولشویی؛ (ذ) اخلال در نظام اقتصادی؛ (ر) تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی و یا تضییع آن؛ (ز) تحصیل مال از طریق نامشروع؛ (ژ) جرایم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران.
- برطبق تبصره ۱ ماده ۱۱ این دستورالعمل، در جرایم ذکر شده در ماده ۱۱ به پرونده‌هایی در مجتمع رسیدگی می‌شود که میزان مال موضوع جرایم ارتكابی یا عواید حاصل از آن یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد.
- برطبق تبصره ۲ ماده ۱۱ این دستورالعمل، چنانچه مرتکب از اشخاص مذکور در ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ و یا از مشاوران وزرا، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و موسسه‌های دولتی و نهادها و موسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، مدیران موسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و موسسه‌های عمومی غیردولتی، روسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مرکز استان یا سرپرستان هر یک از سمت‌های مذکور باشد بدون رعایت نصاب مقرر، به اتهامات آنان در دادسرا و دادگاه‌های مجتمع رسیدگی می‌شود.

برطبق تبصره ۳ ماده ۱۱ این دستورالعمل، پرونده‌های جرایم اقتصادی کمتر از نصاب مذکور در این ماده با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع و با پیشنهاد دادستان تهران و تایید رئیس مجتمع، در این مجتمع رسیدگی می‌شود.

برطبق ماده ۱۹ دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، رئیس مجتمع موظف است تمهیدات لازم برای دریافت گزارش‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشویق و حمایت از گزارشگران فساد را در خصوص جرایم مذکور در این دستورالعمل فراهم نماید. در صورتی که هویت گزارش دهندگان مشخص نباشد، سرپرست داسرا موظف است قبل از شروع به رسیدگی، صحت و سقم موضوع گزارش را بررسی کند.

این دستورالعمل دارای محاسنی است از جمله:

- ۱- تاکید بر پیشگیری از بروز جرایم و مفساد اقتصادی
- ۲- تاکید بر اصلاح ساختارهای فسادزا و تحقق شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی
- ۳- تاکید بر تدوین سیاست‌های پیشگیرانه و کیفی مناسب در حوزه مفساد و جرایم اقتصادی.
- ۴- اگرچه برای رسیدگی در مجمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، حد نصاب یک میلیارد ریال یا بیش از آن پیش-بینی شده است ولی برای جرایم مالی و اقتصادی مدیران رده بالا، این حد نصاب رعایت نمی‌شود.
- ۵- به پرونده‌های جرایم اقتصادی کمتر از نصاب مذکور با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع و با پیشنهاد دادستان تهران و تایید رئیس مجتمع، در این مجتمع قابل رسیدگی است.
- ۶- فراهم کردن تمهیدات لازم برای دریافت گزارش‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشویق و حمایت از گزارشگران فساد.

این دستورالعمل دارای معایبی است از جمله:

- ۱- پیشگیری از بروز جرایم و مفساد اقتصادی، که از جمله اهداف این دستورالعمل مورد اشاره قرار گرفته است مستلزم فرایندی بسیار گسترده می‌باشد و فراهم نمودن سازوکارهای آن در توان مجمع قضایی اقتصادی نیست و برای پیشگیری از بروز جرایم و مفساد اقتصادی، همکاری تنگاتنگ ارگان‌های هر سه قوه مورد نیاز است و همچنین افزایش شفافیت و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد که همه این موارد در گرو یک حکمرانی خوب و مطلوب می‌باشد.
- ۲- درست است که فراهم کردن تمهیدات لازم برای دریافت گزارش‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشویق و حمایت از گزارشگران فساد، در این دستورالعمل مورد توجه قرار گرفته است ولی متأسفانه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌رو هستند که عملاً کارایی این نهادها را مخدوش نموده است. همچنین گزارش‌های مردمی درخصوص فساد مورد استقبال قوه قضاییه قرار نمی‌گیرد و بعضاً دیده شده است که خبرنگاری که درخصوص فساد برخی اشخاص افشاگری کرده است خود با مجازات مواجه شده است. لذا قوه قضاییه علاوه بر اینکه سازوکار مشخصی برای حمایت از گزارشگران فساد ندارد، حتی گاه گزارشگران فساد را مورد مجازات قرار می‌دهد.

۳- در مجموع می‌توان گفت تشکیل مجمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، اگرچه اقدام درستی است اما تا زمانی که قوه قضاییه به معنای واقعی کلمه، استقلال نداشته باشد کارایی لازم را نخواهد داشت. متأسفانه مبارزه با فساد در قوه قضاییه به صورت مقطعی بوده و برخی اوقات به صحنه تسویه حساب‌های جناحی تبدیل می‌شود. به عبارتی برخی افراد صاحب قدرت و نفوذ، نوعی مصونیت قضایی در خصوص تعقیب و مجازات فساد مالی و اقتصادی کسب کرده‌اند.

۲-۴ پاسخ‌های واکنشی غیر سرکوب‌گرانه

پاسخ‌های کیفری اگرچه همواره مهم‌ترین ضمانت اجرا در مقابل بزه بوده است، اما بی‌تردید تنها ضمانت اجرا نبوده است. پاسخ به جرم ممکن است هم زمان هم دولتی باشد و هم جامعه‌ی؛ و در فرض دولتی بودن می‌تواند کیفری، مدنی و اداری، یا فقط کیفری باشد.

ضمانت اجراهای مذکور در قانون فوق به شرح ماده ۹ از اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی شروع شده و تا اخراج از دستگاه متبوع و نهایتاً انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول قانون مذکور، ادامه پیدا می‌کند.

در ادامه باید دو نکته را مدنظر قرار داد. اولاً این که هر تخلفی الزاماً به معنی فساد نیست؛ زیرا بر خلاف «فساد»، صرف عدول از موازین و یا کوتاهی در اجرای مقررات و قوانین حاکم مربوط به یک نهاد، مؤسسه و صنف که ناشی از روابط شغلی و یا به مناسبت آن است، تخلف محسوب می‌شود. در تخلف الزاماً سوء نیت شرط نیست. با این حال فساد خود نوعی تخلف بزرگ و سنگین محسوب می‌شود؛ هم‌چنان که در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، از غیبت غیر موجه گرفته تا سوءاستفاده از موقعیت اداری، اختلاس و رشوره را- که سه مورد اخیر هر یک جزء مصادیق بارز فساد هستند- در قالب تخلفات بیان کرده است؛ هرچند نحوه و میزان واکنش در مقابل هر یک با دیگری متفاوت خواهد بود.

ثانیاً تقریباً در تمامی قوانین و مقررات غیرکیفری، صرف اعمال مجازات‌های اداری و انتظامی را در صورتی که موضوع علاوه بر تخلف، واجد وصف مجرمانه نیز باشد کافی ندانسته و بر این نکته تأکید شده که «در صورتی که موضوع واجد وصف کیفری باشد، مراتب به مراجع قضایی صالح جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.»

نتیجه

در سیاست جنایی قضایی که توسط ارگان‌های قضایی و دادگستری هر کشور انجام می‌شود، سعی می‌شود تا با استفاده بجا از مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی کیفری مؤثر بر مجرمان، موجب ارعاب عمومی از جرم و پیشگیری از جرم شوند. در تعریف پیشگیری قضایی می‌توان گفت عبارت است از اقدامات دستگاه قضایی در خصوص مجرمان و استفاده مناسب از قرارهای تأمین و ضمانت‌های اجرا و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری.

متصدیان امر قضا باید با توجه زیاد و ریزبینی و رعایت نکات فنی در کار خود، ابتدا تناسب بین کیفر و بزه را ملاحظه نموده و سپس با فردی کردن مجازات‌ها باعث تحقق فرآیند پیشگیری شوند. همچنین قضات باید با دخیل نمودن دیدگاه‌های تخصصی به-خصوص در جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی و به حداقل رسانیدن اشتباهات قضایی از طریق آموزش حرفه‌ای و تخصصی موجب اعتماد مردم به دستگاه قضا شوند، زیرا در غیر این صورت اعتبار کلی احکام قضایی از بین رفته و باعث تقلیل انگیزه افراد در پرهیز از بزه و فاجعه‌ای بدتر از اینها فرار مجرمان واقعی از قانون و مجازات شدن افراد بی گناه می‌شود.

مجازات‌ها و احکام صادره باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند موجب بازدارندگی و پیشگیری از جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی بشود: شدت مجازات، حتمیت و قطعیت مجازات و سرعت اجرای مجازات.

«جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی»، جرمی است که موجب کاهش میزان اعتماد افراد جامعه به نهادهای رسمی و قانونی حکومت، و نهایتاً تردید در مشروعیت آن می‌شود. همچنین، موجب تعرض به حقوق مالی حکومت شده و در نتیجه، همواره با مجازات‌های شدید و خشن قانونی مواجه است. اما نکته اصلی این است که در عمل، گاه فرآیند رسیدگی و محاکمه‌ها بسته به مرتکب آن، متفاوت است.

وقتی شخصی در اثر حس منفعت‌طلبی مرتکب سوءاستفاده‌های کلان مالی و تاراج اموال عمومی شود دو حالت قابل تصور است؛ یا با اعمال «سیاست بدزد و فرار کن»، به دلیل عدم حضور، گاه اساساً امکان محکمه وجود ندارد. برخی دیگر، برای حفظ آبرو از یک طرف و رهایی از گرفتار شدن در چنگال عدالت از سوی دیگر، باز به حربه فساد روی می‌آورند. در نهایت چه بسا رسیدگی عادلانه فقط مختص خرده مرتکبانی است که از سر نادانی و یا بیچارگی، مرتبط با هیچ یک از صاحبان ثروت و قدرت نبوده‌اند.

پیشنهادات

۱- اصلاح سیاق جرم انگاری اقتصادی در نظام حقوقی ایران: عبارت «جرایم اقتصادی» برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌کاررفته است. قانون‌گذار در این قانون، از ارائه ضابطه تعریف امتناع کرده و برای تعریف، از روش احصاء مصادیق بهره برده است؛ عدم ارائه ضابطه از یک‌سو و بیان حصری مصادیق از سوی دیگر، مبارزه کیفری با مجرمان اقتصادی را با مشکل مواجه کرده است. بررسی مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشان می‌دهد که این مفهوم بدون مبانی نظری و حتی بدون توجه به تجربیات عملی نظام اقتصادی و رفتارهای مجرمانه‌ای که در حال حاضر اقتصاد کشور را تهدید می‌کند، وارد قانون شده است. باینکه قانون تلاش کرده است که مصادیق جرم اقتصادی را احصاء کند و سیاست کیفری قهرآمیزتری با این دسته از جرایم اتخاذ کند، ولی در این راه موفق نبوده است. تشخیص مصادیق جرایم اقتصادی با ابهامات زیادی مواجه است و دامنه دقیق این جرایم مشخص نیست. با توجه به اشکالات مذکور، مفهوم ارائه‌شده از جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، فاقد کارکرد مؤثر در زمینه مبارزه با این جرایم است و باید به این منظور بسته سیاستی کاملی

مشمول بر مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری تا اقدامات قهرآمیز کیفری تدوین شود که در آن تعریف دقیقی از جرم اقتصادی ارائه شده و علاوه بر احصاء و تدوین عناوین مجرمانه اقتصادی، حوزه‌های سکوت و ابهام قانون نیز رفع شود. تا زمان تدوین چنین مجموعه‌ای، مطلوب است با ذکر اشکالات، استفساریه‌ای از مجلس اخذ شود که طی آن مجلس شورای اسلامی، بر تمثیلی بودن مصادیق مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تصریح کند. در این صورت، بخش شایان توجهی از اشکالات مذکور رفع خواهد شد.

۲- تمثیلی نمودن مصادیق جرم اقتصادی: اگرچه قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رویکرد تعریف حصری مصادیق جرم اقتصادی را در پیش گرفته است، اما نظر به اینکه اولاً همگام با رشد و پیشرفت اقتصاد و نظام اقتصادی کشور، مصادیق جدیدی به حوزه جرایم اقتصادی افزوده می‌شود، ثانیاً یقه‌سفیدان، به دلیل هوش و ذکاوتی که دارند، هرروز دست به رفتار، طریق و شیوه‌ای جدید برای نائل آمدن به اهداف نامشروع مالی و اقتصادی خویش می‌زنند، شایسته است معرفی مصادیق جرم اقتصادی تمثیلی باشد. ذکر این نکته لازم است که تمثیلی بودن مصادیق جرم اقتصادی، نه به معنای عدول از رویه جرم انگاری در نظام حقوقی ایران است و نه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها؛ توضیح آنکه برخی از حقوق‌دانان چنین استدلال می‌کنند که رویکرد مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر تعریف حصری مصادیق جرم اقتصادی، منطبق بر اصل قانونی جرایم و مجازات‌ها است و چنانچه قانون‌گذار رویکرد تمثیلی در پیش می‌گرفت، خلاف اصل مذکور عمل کرده بود. حال آنکه به نظر می‌رسد، قانون‌گذار با عدم ارائه ضابطه تعریف جرم اقتصادی، نه تنها به رعایت اصل مزبور جامه عمل پوشانیده، بلکه با اتخاذ رویکرد تعریف حصری مصادیق، حاشیه امنی برای مجرمانی که از طریقی غیر از طرق پیش‌بینی شده در قانون به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کنند، ایجاد کرده است.

۳- مداخله بیشتر در حقوق و آزادی‌های افراد: به دلیل فنی و تخصصی بودن، غیرملموس بودن وسایل ارتکاب و پیچیده بودن ارتکاب و کشف جرایم اقتصادی، جرم انگاری در این حوزه با مداخله بیشتری در حقوق و آزادی‌های افراد نسبت به جرم انگاری در سایر حوزه‌ها همراه است. دولت‌ها برای پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی و به تبع آن تحقق آثار مخرب جرایم مزبور در جامعه، در مواردی حریم خصوصی اقتصادی بعضی افراد را نقض می‌کنند. توضیح آنکه بعضی از افراد جامعه به دلیل جایگاه، موقعیت، در اختیار بودن امکانات و... نسبت به سایر مردم جامعه در مظان ارتکاب جرایم اقتصادی هستند. دولت‌ها معمولاً بر روی افراد مذکور، نظارت بیشتری اعمال می‌کنند؛ زیرا خطر و ریسک احتمالی حاصل از ارتکاب جرم اقتصادی توسط ایشان بسیار بالاست. الزام به انتشار لیست اموال و دارایی‌ها، چک کردن حساب‌های بانکی، افشای اطلاعات مربوط به دستمزدها، حقوق و مزایا و... مصادیقی از مداخله بیشتر دولت‌ها و نظام‌های حقوقی در حریم خصوصی اقتصادی اشخاص است.

منابع

- حبیب زاده، محمدجعفر، تحلیل جرایم کلاه‌برداری و خیانت‌درامانت، نشر دادگستر، ۱۳۹۳

- حبیب‌زاده، محمدجعفر، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کلانتری، کیومرث، تورم کیفری، عوامل و پیامدها، نشریه مدرس، دوره پنجم، شماره ۴، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۰
- دادبان، حسن؛ آقای، سارا، بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری، فصلنامه حقوقی، شماره ۳، ۱۳۸۸
- ساداتی، سیدمحمد مهدی، اصول جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه و حقوق ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳
- سزار، بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، محمد اردبیلی، نشر میزان، ۱۳۸۴
- صالح ولیدی، محمد، حقوق کیفر اقتصادی؛ جرایم علیه امنیت اقتصادی، جلد دوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۳
- لانگست، پیتر و دیگران، برنامه های جهانی مبارزه با فساد، نشر نخیل، ۱۳۸۶
- میر محمدصادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، ۱۳۹۵
- مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، انتشارات میزان، ۱۳۹۵
- نورزاد، مجتبی جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات جرم‌شناسی در زمینه پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰